

تحلیل تاریخی تاکتیک‌های جنگی یهودیان خیبر در نبرد با مسلمانان

وحیده حیران^۱، حسین ایزدی^۲، زهرا روح‌اللهی امیری^۳

چکیده

نبرد خیبر در سال هفتم هجری (۶۲۸م) نقطه عطفی در تحولات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی امت نوپای اسلامی بود. این فتح، پایه‌های حکومت پیامبر اسلام (ص) را مستحکم کرد و راه را برای گسترش اسلام در شبه جزیره عربستان هموار نمود. پژوهش حاضر با هدف آشکار نمودن راهبردهای پنهان یهودیان در جنگ خیبر برای مقابله با پیامبر اسلام (ص) و مسلمانان انجام شد. در این پژوهش ابعاد مختلف و ویژگی‌های نبرد خیبر به روش اسنادی - تحلیلی با رویکرد تاریخی بررسی شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که در این نبرد، یهودیان نسبت به مسلمانان از امکانات دفاعی و نظامی مثل استفاده از قلعه‌های مستحکم، طرح و نقشه‌های دفاعی غیرمستقیم، روان‌شناسی جنگ (ترساندن مسلمانان از قدرت نظامی خیبر) و همکاری با قبایل عرب برای رویارویی با پیامبر (ص) برخوردار بودند، اما به دلیل نقاط ضعف راهبردی از جمله عدم انعطاف در طرح و نقشه، وابستگی بیش از حد به استحکامات دفاعی، شکست در جنگ روانی و عدم هماهنگی کامل با متحدان عرب، زمینه شکست آنها در برابر مسلمانان فراهم شد.

کلیدواژه‌ها: جنگ خیبر، راهبرد نظامی، یهودیان خیبر، غزوه‌های پیامبر (ص)،

غزوه خیبر.

نوع مقاله: پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۲۸ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۱۱/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۲۲
۱. دانشجوی دکتری رشته تاریخ اسلام، گروه تاریخ، دانشکده تاریخ، تمدن و مطالعات سیاسی، دانشگاه باقرالعلوم (ع)، قم، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: salambarzahra@gmail.com

ORCID: ۰۰۰۰-۰۰۰۲-۲۲۳۷-۰۵۴۲

۲. استادیار گروه تاریخ، دانشکده تاریخ، تمدن و مطالعات سیاسی، دانشگاه باقرالعلوم (ع)، قم، ایران.

Email: Mountain.damavand@gmail.com

ORCID: ۰۰۰۹-۰۰۰۶-۹۳۳۹-۸۴۷۷

۳. دانشیار گروه تاریخ، دانشکده تاریخ، تمدن و مطالعات سیاسی، دانشگاه باقرالعلوم (ع)، قم، ایران.

Email: z.rooholahiamiri@bou.ac.ir

ORCID: ۰۰۰۰-۰۰۰۱-۹۷۷۷-۷۲۵۱

۱. مقدمه

غزوه خیبر از رویدادهای مهم صدر اسلام است که در سال هفتم هجری (۶۲۸ میلادی) بین مسلمانان به رهبری پیامبر اکرم ﷺ و یهودیان ساکن در دژهای خیبر رخ داد. این نبرد به دلایل متعدد تاریخی، سیاسی و اقتصادی شکل گرفت که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

- اختلافات پیشین یهودیان مدینه با مسلمانان: پس از هجرت پیامبر ﷺ به مدینه، یهودیان بنی قینقاع، بنی نضیر و بنی قریظه پیمان‌های خود با مسلمانان را نقض کردند و با دشمنان اسلام هم‌پیمان شدند. پس از شکست احزاب در غزوه خندق در سال پنجم هجری، برخی از یهودیان به خیبر رفتند و به تحریک قبایل عرب علیه مسلمانان پرداختند.

(ابن اثیر، ۱۴۰۰ ه.ق، ۱۴۵/۲)

- تحریک قبایل عرب و تهدید امنیت مدینه: یهودیان خیبر، به‌ویژه سلام بن ابی‌الحقیق و کنانه بن ربیع، با قبایلی مانند غطفان و هوازن متحد شدند تا علیه مسلمانان اقدام کنند. همچنین، آنها تجار مدینه را مورد حمله قرار دادند و امنیت منطقه را تهدید کردند. (طبری،

۱۹۷۷، ۱۱۲/۲)

- تبدیل شدن خیبر به پایگاه توطئه علیه اسلام: خیبر منطقه‌ای حاصل خیز با دژهای مستحکم بود و یهودیان آنجا از ثروت و نفوذ زیادی برخوردار بودند. آنها نه تنها به دشمنان اسلام پناه می‌دادند، بلکه برای جنگ‌های آینده برنامه‌ریزی می‌کردند. (ابن هشام، بی‌تا، ۲۸۵/۲)

- نقض پیمان حدیبیه توسط متحدان یهود در سال ششم هجری: پیامبر ﷺ پیمان حدیبیه را با مشرکان مکه امضا کرد تا صلح برقرار شود، اما یهودیان خیبر به‌طور غیرمستقیم مشرکان را علیه مسلمانان تحریک کردند. (ابن هشام، بی‌تا، ۲۱۵/۲) اقدامات یهودیان خیبر، موازنه امنیتی ناشی از صلح حدیبیه را مختل کرد.

- نیاز اقتصادی مسلمانان: پس از صلح حدیبیه، مسلمانان به منابع اقتصادی نیاز داشتند؛ زیرا مهاجرین بسیاری در مدینه زمین و مالکیتی نداشتند. فتح خیبر می‌توانست این مشکل را حل کند. (طبری، ۱۹۷۷، ۱۲۰/۲)

نبرد خیبر نقطه عطفی در تاریخ نظامی صدر اسلام به‌شمار می‌رود. این نبرد نه تنها از نظر گسترش قلمرو اسلامی، بلکه از نظر طرح‌ها و نقشه‌های جنگی به‌کار رفته از سوی



دو طرف درگیری نیز حائز اهمیت است. از جمله دلایل اهمیت این نبرد می‌توان به پایان قدرت یهودیان در مدینه و تثبیت حاکمیت اسلام، نمایش طرح‌ها، نقشه‌ها و راهبردهای نوین نظامی، تقویت اقتصاد مسلمانان، آزمایش وفاداری قبایل و تقویت اتحاد مسلمانان، الگوبودن برای فتوحات آینده و تأثیرات روانی و سیاسی این نبرد اشاره کرد. پژوهش حاضر درصدد است با بررسی راهبردها و نقشه‌های جنگی یهودیان، از جمله استفاده از موقعیت جغرافیایی، محاصره اقتصادی و تبلیغات روانی، و مقایسه راهبردهای یهودیان با اقدامات نظامی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، همچنین بررسی ویژگی‌های دفاعی قلعه‌های خیبر و نقش آنها در این نبرد، چگونگی و چرایی شکست این راهبردها را تبیین کند. براین اساس، پرسش اصلی پژوهش آن است که یهودیان خیبر از چه راهبردها و نقشه‌های نظامی و روانی برای مقابله با مسلمانان استفاده کردند و چرا این راهبردها با شکست مواجه شد؟ این پژوهش با گردآوری داده‌ها به روش کتابخانه‌ای و با بهره‌گیری از شیوه تحلیلی - اسنادی با رویکرد تاریخی انجام شد.

واقعۀ خیبر در منابع گوناگون از جنبه‌های مختلف نظامی، سیاسی و اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته است؛ از جمله در منابع تاریخی کهن، همانند سیره ابن اسحاق، المغازی و اقدی، السیره النبویه و تاریخ الامم و الملوک، که به توصیف کلی این نبرد، تعداد نیروها، قلعه‌های خیبر و شخصیت‌های مؤثر در این نبرد مانند حضرت علی علیه السلام و رهبران یهودی مانند مَرَحَب، پرداخته‌اند، اما تحلیل نظامی عمیقی از راهبردها و نقشه‌های جنگی یهودیان ارائه نکرده‌اند. همچنین پژوهش‌های معاصر درباره تحلیل نظامی نبرد خیبر، همچون کتاب رسول اکرم در میدان جنگ (حمیدالله، ۱۳۶۶) و کتاب غزوات پیامبر صلی الله علیه و آله (میرمعزی، ۱۳۸۹)، که عملکرد مسلمانان و دشمنان آنان را بررسی کرده‌اند و بیشتر بر اقدامات مسلمانان تمرکز دارد. با بررسی پیشینه تحقیقاتی موضوع مورد بررسی، مشخص شد اگرچه نبرد خیبر از جنبه تاریخی بارها مورد بررسی قرار گرفته است، تحلیل نظامی راهبردها و نقشه‌های یهودیان خیبر، همچنان نیازمند مطالعه‌ای عمیق‌تر است. مقاله حاضر می‌تواند ابعاد جدیدی از این نبرد را روشن کند. این مقاله در پنج بخش شامل غزوه خیبر، موقعیت ژئوپلیتیک قلعه‌ها، سلاح و راهبردهای نظامی یهودیان خیبر، انگیزه‌های یهودیان خیبر و مقایسه



تطبیقی میان مواضع و عملکرد مسلمانان و یهودیان، موضوع را بررسی کرده است. از آنجا که این مقاله نخستین مطالعه نظامی جامع درباره راهبردها و نقشه‌های یهودیان خیبر است، از اهمیت و نوآوری برخوردار است. این مقاله با پرکردن خلأهای پژوهشی موجود، گامی جدید در راستای فهم بهتر تاریخ نظامی صدر اسلام برمی دارد و می تواند مبنایی برای تحقیقات آتی در این مورد باشد.

۲. گزارش چگونگی نبرد خیبر

پیامبر اسلام ﷺ در محرم سال هفتم هجری به سوی خیبر حرکت کرد و در صفر همان سال آنجا را فتح نمود. (ابن هشام، بی تا، ۳/۳۴۲ و ۲۵۵) روایت‌های دیگری نیز درباره تاریخ وقوع این غزوه وجود دارد (ر.ک.، ابن سعد، بی تا، ۲/۱۰۶-۱۰۸؛ بلاذری، ۱۹۵۹/۱، ۴۲۰). در این نبرد که تعداد مسلمانان حدود ۱۴۰۰ نفر بود (واقعی، ۱۹۶۵/۲، ۶۸۹)، یهودیان خیبر با ۲۰ هزار جنگجو و دژهای مستحکم، خود را شکست ناپذیر می پنداشتند (یعقوبی، ۱۳۷۹-ه.ق، ۲/۵۶). یهودیان خیبر ثروتمندترین و مجهزترین یهودیان حجاز بودند (ابن هشام، بی تا، ۳/۴۳۷) و از حمایت قبیله غطفان برخوردار بودند (واقعی، ۱۹۶۵/۲، ۵۶۶-۵۶۸). پیامبر اکرم ﷺ برای جنگ با خیبریان از عنصر غافلگیری بدین شرح استفاده کرد: نخست، حرکت شبانه (ابن هشام، بی تا، ۳/۳۴۳-۳۴۴) و مسدود کردن راه‌های فرار یهودیان به سمت شام و قطع ارتباط با غطفان (واقعی، ۱۹۶۵/۲، ۶۳۹-۶۴۰؛ ابن هشام، بی تا، ۳/۳۴۴)؛ دوم، تقسیم نیروها به دو گروه، یکی برای مقابله با غطفان و دیگری برای محاصره قلعه‌های خیبر (خطاب، ۱۹۶۰)، و سوم، محور قرار دادن قلعه نطاه به مثابه نقطه ثقل نبرد (واقعی، ۱۹۶۵/۲، ۶۴۳-۶۴۵).

پس از ناکامی ابوبکر و عمر در فتح نخستین قلعه (یعنی، قلعه ناعم)، پیامبر ﷺ پرچم را به امام علی (ع) داد. (بلاذری، ۱۹۵۹/۲، ۸۶ و ۹۲-۹۳). حضرت علی (ع) با کشتن مرحب، سردار یهودی، (ابن حنبل، بی تا، ۴/۵۲؛ طبری، ۱۹۷۷/۳، ۱۳-۱۲) و فتح قلعه قموص که مهم‌ترین دژ خیبر بود، روحیه یهودیان را درهم شکست. پس از کشته شدن تعدادی از سرداران یهود و برخی از سپاهیان آنها، فتح کامل خیبر آسان شد (واقعی، ۱۹۶۵/۲، ۶۵۴، ۶۵۷-۶۵۸). محاصره و فتح تدریجی دیگر قلعه‌های خیبر مانند دژ صعب بن معاذ (که در آن چهارپایان، آذوقه، کالا

و ۵۰۰ جنگجو بود) (واقعی، ۱۹۶۵، ۶۵۸/۲-۶۵۶)، دژ شق (واقعی، ۱۹۶۵، ۶۴۸/۲-۶۴۸)، دژ وطیح و سلالم (بلاذری، ۱۹۵۹، ۲۳/۱) نیز پس از مقاومت شدید یهودیان انجام شد. پس از حدود یک ماه نبرد و محاصره، یهودیان تسلیم شدند و با پیامبر صلح کردند (بلاذری، ۱۹۵۹، ۲۳/۱). در جنگ خیبر ۱۵ یا ۱۸ تن از مسلمانان به شهادت رسیدند و از یهودیان نیز ۹۳ مرد کشته شدند (واقعی، ۱۹۶۵، ۷۰۰/۲؛ ابن هشام، بی تا، ۳۵۷/۳-۳۵۸). پس از فتح خیبر این قلعه به عنوان غنیمت جنگی بعد از جدا کردن خمس بین افرادی تقسیم شد که در غزه حدیبیه حضور داشتند (ابن هشام، بی تا، ۳۶۴/۲). پیامبر ﷺ پس از فتح خیبر، به درخواست یهودیان به آنها اجازه داد در سرزمین خیبر به پرورش نخل که در آن تخصص داشتند، ادامه دهند و در مقابل، نصف زراعت خیبر و محصول خرما را برای خود بردارند؛ چه بسا خدا دل‌های آنها را به نور ایمان هدایت کند. زهری می‌گوید بعضی قسمت‌های خیبر به جنگ فتح شد و برخی به صلح (واقعی، ۱۹۶۵، ۶۷۰/۲-۶۷۱؛ سعد المرصفی، ۲۰۰۲).

۳. موقعیت بومی-سیاسی قلعه‌های خیبر با اهداف راهبردی نظامی

منطقه خیبر امروزی در ۱۶۵ کیلومتری شمال مدینه در جاده منتهی به شام با مرکزیت شهر الشریف واقع شده است. روستاها، مزارع، آب و جمعیت فراوان از ویژگی‌های این منطقه است. (بلاذری، ۱۹۵۹، ۲۳/۱) به گفته یاقوت حموی، این منطقه را به سبب وجود قلاع هفتگانه، «خیابر» نیز می‌گفتند (حموی، ۱۹۹۵، ۴۰۹/۲). نام‌گذاری قلعه‌ها چنین بود که به نام شخصیت یا رهبری مهم از شخصیت‌های بانفوذ یهود، نام عشیره یهود، نام وادی از وادی‌های خیبر، نام کوهی از کوه‌های خیبر یا نامی که معنای خاصی نزد یهود داشت، نام‌گذاری می‌شد. از لحاظ سیاسی نیز یک نفر بر تمام ساکنان قلعه‌های خیبر حکومت می‌کرد و در مجموع، همگی پیرو فرمان رئیس قلعه قموص بودند (محمود سلام، بی تا). تعداد قلعه‌های خیبر را با اختلاف به تعداد شش، هفت و ده قلعه بیان کرده‌اند (ر.ک.، یعقوبی، ۱۳۷۹، ۵۶/۲؛ یاقوت حموی، ۱۳۹۷، ذیل واژه خیبر؛ آیتی، ۱۳۶۶). شمار فزونتر قلعه‌ها در برخی منابع، به سبب آن است که بعضی قلعه‌ها دربردارنده دژهای کوچک‌تری در درون خود بوده‌اند (واقعی، ۱۹۶۵، ۶۴۸/۲-۶۴۸). سرزمین خیبر به پنج منطقه نظامی تقسیم می‌شد و در هر منطقه تعدادی دژ وجود داشت که قلعه‌های



نظامی، بالای خیبر و جزء سرزمین‌های بالای خیبر بود. غیر از این دژهای نظامی، قلعه‌های دیگری هم وجود داشت که برای حمایت از مردم عادی بود که در موقع نیاز به آن قلعه‌ها پناه می‌بردند که این قلعه‌ها کوچک‌تر از قلعه‌های نظامی بود (ابن کثیر، ۱۳۹۸ هـ.ق، ۳/۳۷۶).

۳-۱. منطقه نطاه

منطقه نطاه، اولین خط دفاعی سرزمین خیبر است. (باشمیل، ۱۳۹۹) در منابع اولیه تعداد دژهای منطقه نطاه دقیق مشخص نشده است، اما مشهورترین آنها دژ ناعم می‌باشد. (اول) دژ ناعم: نام این دژ به همین نام در کتاب‌های تاریخی زیادی آمده است. این دژ در کتاب مغازی واقدی یک بار به اسم ناعم و بار دیگر به اسم نطاه آمده است. این دژ متعلق به فردی ثروتمند از یهودیان بود. این دژ که بزرگ‌ترین دژ منطقه بود اهمیت راهبردی داشت و خط دفاع اول خیبر به شمار می‌رفت؛ زیرا اطراف آن نخلستان‌ها و مرداب‌هایی وجود داشت که مانع نفوذ دشمنان می‌شد. (شیبانی، ۱۹۷۱/۱، ۷۲-۷۳؛ بیهقی، ۱۴۰۵ هـ.ق، ۲۱۶/۴) جنگاوران مشهور یهود مانند عشیره آل مرحب در آنجا استقرار داشتند (ابن هشام، بی‌تا، ۳/۳۴۸) و اولین دژی بود که توسط مسلمانان فتح شد؛ مرحب (یکی از سرداران یهود)، توسط حضرت علی (علیه السلام) در آنجا کشته شد (واقعی، ۱۹۶۵، ۲/۶۵۷-۶۵۸).

دوم) دار بنی قمه: نام دار بنی قمه ابتدا در کتاب معجم بکری و سپس در السیره الحلبیه حلبی ذکر شده است. این دژ در مجاورت دژ ناعم قرار داشت و متعلق به بنی قمه (از یهودیان ثروتمند) (ولفسون، ۱۳۴۵) و محل سکونت یاسر یهودی، برادر مرحب بود (دیار بکری، بی‌تا، ۲/۵۲۳) این دژ اولین مکانی بود که پیامبر ﷺ در نطاه فتح کرد (حلبی، ۱۴۰۰ هـ.ق، ۳/۷۴۰).

سوم) دژ صعب بن معاذ: نام این دژ در کتاب‌های تاریخی زیادی همچون سیره النبویه، جوامع ابن حزم، طبقات ابن سعد آمده است و دومین دژ مهم نطاه از نظر نظامی و خط دفاع دوم منطقه بود. (باشمیل، ۱۳۹۹ هـ.ق) شهرت این مکان به دلیل استحکام و موقعیت جغرافیایی آن که بر روی صخره‌ها بود، می‌باشد (ولفسون، ۱۳۴۵ هـ.ق). این دژ متعلق به سلام بن مشکم، رهبر نظامی یهودیان خیبر، بود (واقعی، ۱۹۶۵، ۲/۶۴۰) که دیوارهای تودرتو، انبارهای تسلیحاتی (منجنیق، زره و...) و ذخایر غذایی فراوان داشت (واقعی، ۱۹۶۵، ۲/۶۶۳-۶۶۶).

دژ دار بنی قمه و دژ صعب بن معاذ نقش کلیدی در دفاع از خیبر داشتند و فتح آنها

توسط مسلمانان نقطه عطفی در تاریخ اسلام بود. (ابن هشام، بی تا، ۳۳۵/۲) می توان تحلیل نمود که فتح این دژها به دو دلیل، یک تحول کلیدی بود:

- از بین رفتن پایگاه نظامی متحدان: با فتح این دو دژ، «دژ خیبر» که مانند سدی مانع نفوذ مسلمانان به شمال حجاز بود فرو ریخت و پیوند میان یهودیان خیبر و قبایل غطفان (که متحدان جنگی یهود بودند) برای همیشه قطع شد.

- تغییر توازن قوا: این پیروزی، مسلمانان را از وضعیت «دفاعی» (که در جنگ خندق داشتند) به وضعیت «تثبیت حاکمیت» رساند.

چهارم) دژ زبیر: در منابع تاریخی مانند سیره النبویه، طبقات ابن سعد، والبدایه ابن کثیر، دژ زبیر با نام های حصن القله (به دلیل قرار گرفتن بر قله کوه) و حصن الزبیر (به دلیل تعلق به زبیر بن عوام پس از فتح خیبر) ذکر شده است. (ر.ک.، ابن حزم، بی تا؛ الحری، ۱۳۸۹ هـ.ق؛ دیار بکری، بی تا، ۵۱۷/۲ - ۵۲۴) این دژ سومین قلعه مستحکم نظامی در منطقه نطاه خیبر بود و نقش دفاعی مهمی داشت (باشمیل، ۱۳۹۹ هـ.ق). از ویژگی های این دژ می توان به موقعیت صعب العبور آن (واقدی، ۱۹۶۵، ۶۶۶/۲) بر فراز کوه (النویری، بی تا، ۲۵۵/۱۷)، داشتن برج های نظارتی برای تأمین امنیت راه ها و دروازه های مستحکم (باشمیل، ۱۳۹۹ هـ.ق) اشاره نمود به گونه ای که دسترسی به آن برای انسان و حیوان را دشوار می کرد. این دژ، پس از تخلیه دیگر دژهای خیبر، پناهگاه یهودیان در برابر محاصره مسلمانان بود (واقدی، ۱۹۶۵، ۵۰۸۰/۲) که فتح آن فقط با قطع آب ممکن شد (واقدی، ۱۹۶۵، ۵۰۸۰/۲).

۳-۲. منطقه الشق (وادی صویر)

اول) دژ ابی: نام این دژ در کتاب های مغازی واقدی، طبقات ابن سعد، دلائل النبوه بیهقی، کتاب البدایه ابن کثیر آمده است، اولین دژی بود که بعد از دژ نطاه فتح شد. (واقدی، ۱۹۶۵، ۶۶۷/۲) طراحی آن همانند دژ صعب بن معاذ بود؛ یعنی دیوارهای بسیاری داشت که استحکام و پایداری آن را بیشتر می کرد (واقدی، ۱۹۶۵، ۶۶۸/۲). دژ ابی بر روی بالاترین کوه منطقه الشق خیبر واقع (باشمیل، ۱۳۹۹ هـ.ق) شده بود و به دلیل داشتن دیوارهای بلند، درهای محکم و سواران ماهر، مانع نفوذ مهاجمان (حلبی، ۱۴۰۰ هـ.ق، ۷۴۳/۳) می شد.

دوم) دژ سمران (شمران/سموان): دژ الشق، از مستحکم ترین دژهای منطقه الشق در



خیبر و خط اول دفاعی، به شمار می‌رفت. (فیروزآبادی، ۱۳۸۹)

سوم) دژ نزار (حصن البزاه/البزار/البریء): این دژ در عبری به معنای «التاج» است که مستحکم‌ترین دژ خیبر بود. (باشمیل، ۱۳۹۹) دژ نزار بر بالای کوه قرار داشت و راهبرد جنگی ممتازی ارائه می‌داد (واقدی، ۱۹۶۵، ۶۶۹/۲). یهودیان پس از سقوط دیگر دژها به آن پناه بردند و با مسلمانان درگیر شدند (واقدی، ۱۹۶۵، ۵۱۰۰/۲).

۳-۳. منطقه کتیبه

دژ قموص (مرحب/الغموص): این دژ در منطقه کتیبه قرار داشت و متعلق به بنی ابی الحقیق بود. (واقدی، ۱۹۶۵، ۶۹۳/۲؛ یاقوت حموی، ۱۳۹۷ هـ.ق، ۴۳۷/۴) تنها دژ باقی‌مانده از آن دوران با معماری مستحکم و برج‌های دیده‌بانی، دژ قموص است (دیاریگری، بی‌تا، ۴۸/۲) که توسط امام علی (علیه السلام) فتح شد (حمیری، ۱۹۷۵).

۳-۴. منطقه الوطیح

دژ الوطیح در منطقه الوطیح واقع شده و که متعلق به بنی ابی الحقیق بود (ابن کثیر، ۱۳۹۸ هـ.ق، ۳۷/۳) که بزرگ‌ترین و مستحکم‌ترین دژ منطقه الوطیح به شمار می‌رفت (البلادی، ۱۹۸۲، ۱۴۴/۹).

۳-۵. منطقه سلالم

دژ سلالم از دژهای مستحکم خیبر (دیاریگری، بی‌تا، ۴۷/۲) به شمار می‌رفت و انبارهای سلاح و اموال فراوان داشت (ابن الدبیع، بی‌تا، ۶۴۱/۲). دژهای دیگری هم در خیبر بود مانند دژ المریطه که یعقوبی آن را مشهورترین دژ خیبر می‌داند (یعقوبی، ۱۳۷۹ هـ.ق، ۵۶/۲). همچنین دژهای حصن الظهار که یاقوت حموی (۱۳۹۷ هـ.ق، ۶۳/۴) و فیروزآبادی (۱۳۸۹ هـ.ق) از آن نام بردند، و دژ حصن القصاره که فقط یعقوبی (۱۳۷۹ هـ.ق، ۵۶/۲) آن را ذکر کرده است. دژهایی که ذکر شد مشهورترین دژها در منابع بودند که نام آنها یا به دلیل جنگ‌ها و کشته شدن افراد در آن، یا به دلیل جایگاه راهبردی و اهمیتی که داشتند معروف شده است.

۴. سلاح و تدبیر نظامی یهودیان خیبر

۴-۱. سلاح و تجهیزات جنگی خیبریان

غیر از موقعیت ژئوپلیتیک قلعه‌های خیبر که تأثیر زیادی برای یهودیان خیبر در جنگ

داشت، آنها با توسعه ابزارهای جنگی به سلاح‌های پیشرفته‌ای دست یافتند که تا آن زمان، استفاده از این سلاح‌ها برای عرب حجاز و نجد مشاهده نشده بود. سلاح‌های آنها شامل منجنیق، تیر و کمان، سپر، شمشیر، نیزه، چیزی شبیه تانک امروزی و ادوات جنگی دیگر بود. اول (منجنیق: ماشینی که با آن سنگ پرتاب می‌شد و از سلاح‌هایی بود که در حمله به قلعه‌های یهودیان به کار گرفته شد که به قلعه‌های یهود حمل می‌شد. زمانی که یهودیان در محاصره بودند از منجنیق برای پرتاب سنگ به دشمن و تخریب دیوارها، قلعه‌ها، برج‌ها و آتش زدن جای دشمن استفاده می‌کردند. (عبدالرئوف عون، ۱۹۶۱) واقدی می‌گوید: «یهودیان در حصن ناعم در نطاه، منجنیق را در یک انبار مخفی که بعضی از ابزار جنگی را آنجا نگه می‌داشتند، قرار داده بودند». طبق گفته واقدی، هنگام جنگ خیبر، منجنیق‌ها جدا شده بودند. بنابراین، پیامبر ﷺ پیش از آنکه آنها منجنیق‌ها را آماده کنند، آنها را غافلگیر نمود و بعد از تسخیر این قلعه، منجنیق‌ها به دست مسلمانان افتاد و با آن توانستند دژهای دیگر را تسخیر کنند (واقدی، ۱۹۶۵، ۲/۶۴۸).

برخی محققین استدلال کرده‌اند که در دوران جاهلیت از منجنیق در جزیره العرب استفاده نشده است؛ این استدلال به دلیل عدم اشاره به این سلاح در اشعار جاهلی است. (عبدالرئوف عون، ۱۹۶۱) برخی دیگر بیان کرده‌اند که عرب‌ها از این سلاح تا اواسط قرن اول هجری استفاده نکردند (زیدان، بی‌تا، ۱/۱۸۸) و گروه سوم معتقدند که عرب‌ها ساخت این سلاح را برای استفاده در جنگ‌ها از روم شرقی (بیزانس) آموختند (عبدالرئوف عون، ۱۹۶۱). براساس پژوهش‌ها، استناد استفاده از این ابزار توسط خیبریان عبارتند از:

الف) موقعیت راهبردی و استحکامات خیبر: خیبر منطقه‌ای با قلعه‌های مستحکم و متعدد بود که پناهگاه یهودیان و مرکز تجاری و کشاورزی مهمی به شمار می‌رفت. این قلعه‌ها به گونه‌ای ساخته شده بود که مدافعان می‌توانستند به راحتی از داخل آن دشمن را هدف قرار دهند. در چنین محیطی، داشتن ابزارهای دفاعی پیشرفته مانند منجنیق، برای دفع حملات و محاصره، منطقی و ضروری به نظر می‌رسد. قلعه‌های خیبر، به قدری مقاوم بودند که تصرف آنها بدون ابزارهای محاصره‌ای قوی بسیار دشوار بود.

ب) مهارت یهودیان در ساخت و نگهداری سلاح: یهودیان خیبر به دلیل توانایی هایشان



در صنعت فلزکاری و ساخت سلاح مشهور بودند؛ (واقعی، ۱۹۶۵، ۶۵۴/۲؛ ابن اثیر، ۱۴۰۰ هـ.ق، ۱۳۷/۲) این مهارت به آنها امکان می داد که ابزارهای نظامی پیچیده مثل منجنیق را تولید یا نگهداری کنند. برخی منابع حتی اشاره می کنند که آنها این سلاح ها را به قبایل عرب همسایه نیز قرض می دادند که نشان دهنده فراوانی و در دسترس بودن این ابزار در میان آنهاست (ر.ک.. العمری، ۱۳۸۵ هـ.ق؛ جواد علی، ۱۹۸۰، ۵۳۵/۷-۵۴۰).

ج) شواهدی از غنیمت های جنگی: برخی از منابع اولیه اسلامی، از جمله آثار مورخان و سیره نویسان معتبر (واقعی، ۱۹۶۵، ۶۵۴/۲؛ صالحی شامی، ۱۴۱۴ هـ.ق، ۲۲۲/۵؛ حلبی، ۱۴۰۰ هـ.ق، ۱۶۷/۳)، اشاره دارند که پس از فتح قلعه های خیبر توسط مسلمانان، ابزارهای محاصره ای از جمله منجنیق، در میان غنائم یافت شده است. این موضوع به صراحت نشان می دهد که یهودیان خیبر این سلاح ها را در اختیار داشتند و از آن برای دفاع از خود استفاده می کردند. مسلمانان نیز پس از غنیمت گرفتن این منجنیق ها از آن برای ادامه محاصره و فتح سایر قلعه ها بهره بردند. د) نقش منجنیق در جنگ های محاصره ای آن دوران: در سال هفتم هجری، منجنیق یک سلاح استاندارد و حیاتی در جنگ های محاصره ای به شمار می رفت. (واقعی، ۱۹۶۵، ۶۳۵/۲) هر گروهی که قصد دفاع از استحکامات خود را داشت، به احتمال زیاد به این ابزار مجهز بود. پرتاب سنگ های بزرگ یا مواد آتش زا با منجنیق، راهی مؤثر برای تخریب دیوارها و جلوگیری از نزدیک شدن مهاجمان بود. بنابراین، وجود منجنیق در خیبر، با توجه به ماهیت نبرد و وجود قلعه های مستحکم، متناسب با فنون نظامی آن زمان است.

با توجه به دلایل مذکور که از منابع تاریخی و منطق نظامی آن دوره استخراج شده است، می توان پذیرفت که یهودیان خیبر در جریان جنگ خیبر، منجنیق در اختیار داشته اند و از آن به مثابه بخشی از راهبرد دفاعی خود استفاده می کردند. این سلاح نه تنها برای دفاع اولیه کاربرد داشت، بلکه پس از تصرف قلعه های خیبر نیز به دست مسلمانان افتاد و در ادامه نبرد نیز به کارگرفته شد.

دوم) تیر و کمان: از قوی ترین و تأثیرگذارترین سلاح های خیبریان در نبردهای آنها، تیر و کمان بود که بهترین نوع آن در دست یهودیان خیبر قرار داشت. تیراندازان خیبر در قدرت، توان و دقت تیراندازی معروف بودند. آنها در اصول و فنون تیراندازی با کمان مهارت

داشتند و دقیق‌ترین اهداف را با تیرهایشان می‌زدند. (واقعی، ۱۹۶۵، ۶۴۳/۲) یهودیان قلعه نطاه به دلیل سرعت تیراندازی معروف بودند (واقعی، ۱۹۶۵، ۶۶۷/۲).

سوم) سپر: این سلاح، به دلیل اهمیت دفاعی برای جنگنده، از گران‌قیمت‌ترین سلاح‌ها بود. در قبل از اسلام، فقط رؤسا و رهبران، برای حفظ جان خود از سپر استفاده می‌کردند. (الدقو، ۱۴۰۶هـ.ق) با این حال، با توجه به قدرت مالی و اقتصادی یهودیان ساکن قلعه‌های خیبر، حضور سازندگان اسلحه در آنجا و علاقه یهودیان به حفظ مبارزان، تعداد زیادی از آنها هنگام جنگ زره‌پوش بودند و سپر داشتند (صالحی، ۱۳۹۵هـ.ق، ۲۰۴/۵).

چهارم) شمشیر: شمشیر سلاح‌هایی بود که یهودیان از قدیم در جنگ‌ها استفاده می‌کردند. یهودیان خیبر به ساختن شمشیرهای برنده معروف بودند و بیشتر جنگجویان خیبر دو شمشیر داشتند. (عبدالرئوف عون، ۱۹۶۱، ۱۴۸/۴۹)

پنجم) تانک: یکی از ماشین‌های جنگی برای محاصره قلعه‌هاست و یهودیان ناعم و صعب بن معاذ در نطاه در حمله‌ها از چیزی شبیه تانک استفاده می‌کردند. مردان جنگی از روی قلعه‌ها وارد این وسیله می‌شدند و آن را به پایین قلعه‌ها و دیوارها می‌راندند (صالحی، ۱۳۹۵هـ.ق، ۵۹۹/۵)، چون این وسیله میان‌تهی بود، آنها داخل این وسیله مخفی شده و آهسته راه می‌رفتند تا به قلعه‌های محاصره شده برسند (رک، ابن منظور، بی‌تا، ۹۳۸/۱). از نظر باشمیل، در آن دوران فقط نظامیان روم و ایران از تانک استفاده می‌کردند و مشخص نیست که یهودیان خیبر چگونه به تانک دست یافتند. (باشمیل، ۱۳۹۹هـ.ق). یهودیان از تبر و عصا نیز در نبردهای خود استفاده می‌کردند (واقعی، ۱۹۶۵، ۶۶۲/۲-۶۶۳).

۴-۲. راهبردها و نقشه‌های جنگی خیبریان

۴-۲-۱. راهبردها و نقشه‌های رهبران و جنگجویان

ایجاد قلعه، مسلح و آماده کردن قلعه‌ها با جنگجویان و ابزار جنگی، جنگیدن از طریق برج‌های قلعه و کمک گرفتن از متحدانشان، اساس آموزه‌های جنگی و برنامه‌های جنگی یهودیان خیبر را تشکیل می‌داد. (ابن هشام، بی‌تا، ۳۴۰/۳-۳۴۵) نشانه‌ای مبنی بر وجود ارتش منظم اختصاص داده شده به جنگ در خیبر وجود ندارد. مردان هر طایفه از یهودیان





خیبر، فقط از قلعه‌ای متعلق به خود دفاع می‌کردند. گزارش‌های تاریخی حاکی از آن است که قبل از اسلام، بین قبایل یهودی ساکن خیبر درگیری و دشمنی وجود داشت (واقعی، ۱۹۶۵، ۶۴۷/۲). وقتی واحه‌ها و روستاهای خیبر مورد تعرض قرار می‌گرفت، برای دفاع از آنها، همه افراد قلعه‌ها و قبایل یهودی بسیج می‌شدند (ابن حجر، ۱۴۰۷ هـ.ق)؛ زیرا دفاع از روستاها، واحه‌ها و قلعه‌های خیبر به همبستگی و تعداد زیادی جنگجو که در آنجا اقامت داشتند نیاز داشت؛ آرایش جنگی این جنگجویان برای ایجاد ترس در دشمنان یا ترس از غافلگیر شدن (جواد علی، ۱۹۸۰، ۴۰۳/۵ - ۴۱۶) به گونه‌ای بود که پیش از طلوع آفتاب برمی‌خاستند و سلاح برمی‌گرفتند (واقعی، ۱۹۶۵، ۶۴۲/۲). این مبارزان یک فرمانده کل (رهبر) از اشراف و بزرگان آنها و خبره در اسلوب جنگیدن بود، داشتند (واقعی، ۱۹۶۵، ۴/۱). سلام بن ابی الحقیق، اسیر بن رزام، سلام بن مشکم، حارث بن ابی زینب و کنانه بن ابی الحقیق (واقعی، ۱۹۶۵، ۴/۱؛ واقعی، ۱۹۶۵، ۶۵۰/۲) از بزرگان قبیله بنی نضیر بودند (بلاذری، ۱۹۵۹، ۲۸۳/۱ - ۲۸۵) که برنامه جنگی را تدوین می‌کردند (واقعی، ۱۹۶۵، ۶۳۷/۲) و تهییج مردم قبل از جنگ را به عهده داشتند (دیار بکری، بی‌تا، ۵۰/۲).

برخی از یهودیان خیبر برای کمک به جنگجویان خود هنگام حمله ناگهانی، بر فراز دیوارها می‌ایستادند. (ابن عبدالبر، ۱۴۰۳ هـ.ق) گروهی نیز برای غافلگیر کردن دشمن در هنگام تعرض به قلعه‌هایشان، بین نخل‌ها پنهان می‌شدند. جاسوسی کردن، از ابزارهای یهودیان در جنگ‌ها بود (شنوده، بی‌تا). آنان مردان قبایل مختلف را به این کار وامی‌داشتند (واقعی، ۱۹۶۵، ۶۴۷/۲) و برای تأمین امنیت و ثبات خیبر، از هم‌پیمانان خود یعنی، غطفانی‌ها، یهودیان (واقعی، ۱۹۶۵، ۶۴۷/۲) و منافقان مدینه (دیار بکری، بی‌تا، ۴۴/۲)، بهره می‌گرفتند تا از شرایط و نقشه‌های دشمنان و اطلاعات مربوط به نیروها، مواضع و میزان آمادگی آنان در جنگ آگاه شوند. آن جاسوسان در قالب بازرگان (واقعی، ۱۹۶۵، ۶۴۲/۲)، چوپان (واقعی، ۱۹۶۵، ۶۴۷/۲) یا به صورت گروه شناسایی (حلبی، ۱۴۰۰ هـ.ق، ۷۳۲/۲) وارد عمل می‌شدند. یهودیانی که پس از هجرت بنی نضیر در مدینه ماندند، چشم و گوش خیبریان بودند.

هرگاه یهودیان ناچار می‌شدند برای جنگ با دشمن از قلعه‌های خود بیرون بروند، شجاع‌ترین افراد خود را که در کار جنگ خبره و نیرومند بودند (واقعی، ۱۹۶۵، ۶۷۹/۲، ۶۵۷)، با انواع سلاح جنگی که سراسر بدنشان را می‌پوشاند، به میدان می‌فرستادند؛ همان‌گونه که در

توراتشان چنین آمده است. در بیشتر اوقات، نبرد با رجزخوانی آغاز می‌شد و مبارزان یهود در خیبر هنگامی که از قلعه‌های خود برای جنگ بیرون می‌آمدند، نسخه‌هایی از تورات همراه داشتند (واقعی، ۱۹۶۵، ۶۸۰/۲-۶۸۱). شعارها و ارتباطات فردی (مذاکرات چهره‌به‌چهره با رؤسای قبایل و بزرگان) از جمله شیوه‌های بسیج کردن مردم برای جنگ، در میان یهودیان قبل از اسلام و صدر اسلام بود (ظاظا و عاشور، ۱۹۷۶). آنها با این شعارها و فریادها، یکدیگر را هنگامی که به نبرد می‌رفتند، می‌شناختند؛ به‌ویژه در تاریکی شب (صالحی، ۱۳۹۵ هـ.ق، ۲۴۵/۵). همچنین با این فریادها و شعارها از یکدیگر در میدان جنگ یاری می‌طلبیدند.

یهودیان خیبر به ساخت سلاح اشتغال داشتند و تجارت سلاح می‌کردند. همچنین برخی سلاح‌ها را از یمن (بیهقی، ۱۴۰۵ هـ.ق، ۲۱۱/۴) و برخی را از شام (باشمیل، ۱۳۹۹ هـ.ق) تهیه می‌کردند تا آنها را به اعراب بفروشند یا اجاره دهند (واقعی، ۱۹۶۵، ۶۷۰/۲) و برخی از آنها را نیز برای ترساندن کسانی که طمع داشتند یا سلاح‌ها را به هنگام جنگ استفاده می‌کردند (واقعی، ۱۹۶۵، ۶۴۰/۲). یهودیان خیبر از این طریق ثروت زیادی به دست آورده بودند که آن را برای جنگ و کمک به هم‌پیمانانشان به کار می‌بردند (ابن سید الناس، بی‌تا، ۱۳۸/۲). برنامه یهود برای شکست و تضعیف دشمن این بود که رهبران حریف را ترور کنند؛ مثل مسموم کردن گوشتی که برای پیامبر آوردند (واقعی، ۱۹۶۵، ۶۷۷/۲). همچنین آنها می‌کوشیدند جنگ با دشمنان را به درازا بکشانند تا حریفشان ناامید شود و دست از جنگ بکشد (واقعی، ۱۹۶۵، ۶۵۱/۲).

۴-۲-۲. مشارکت زنان در جنگ

اول (نقش زنان در دفاع از قلعه‌ها: در نبرد خیبر، زنان و غیرنظامیان یهودی نیز نقش‌هایی ایفا کردند که اگرچه کمتر مورد توجه قرار گرفته است، در تحلیل کلی نبرد حائز اهمیت است. این نقش‌ها شامل مشارکت در دفاع از قلعه‌ها، تأمین آذوقه و پشتیبانی از جنگجویان و حتی مشارکت مستقیم جنگ بود. زنان یهودی خیبر، در دفاع از قلعه‌ها نقش فعالی داشتند. آنها با پرتاب سنگ و کمک به جنگ‌جویان، در دفاع از دیوارهای قلعه‌ها مشارکت می‌کردند. این مشارکت به‌ویژه در زمان‌هایی که مردان درگیر نبرد بودند، بسیار حیاتی بود.

(طبری، ۱۹۷۷، ۵۶۵/۲؛ ابن اثیر، ۱۴۰۰ هـ.ق، ۴۹/۲)

دوم) تأمین آذوقه و پشتیبانی از جنگجویان: زنان و غیرنظامیان یهودی خیبر در





تأمین آذوقه و پشتیبانی از جنگجویان نقش مهمی داشتند. آنها مسئولیت تهیه غذا، آب و سایر نیازهای ضروری برای جنگجویان را بر عهده داشتند. این نقش به ویژه در زمان های محاصره قلعه ها بسیار حیاتی بود. (ابن کثیر، ۱۳۹۸ هـ.ق، ۲۰۹/۴: طبری، ۱۹۷۷، ۵۶۵/۲)

سوم) مشارکت مستقیم در نبرد: در برخی موارد، زنان یهودی خیبر به طور مستقیم در نبرد شرکت می کردند. آنها با استفاده از سلاح های ساده مانند چوب و سنگ از قلعه ها دفاع می کردند. همچنین، برخی از زنان نقش جاسوس یا پیام رسان داشتند و اطلاعات مهم را به جنگجویان منتقل می کردند. (ابن اثیر، ۱۴۰۰ هـ.ق، ۵۰/۲: طبری، ۱۹۷۷، ۵۶۷/۲)

چهارم) نقش زنان در مذاکرات صلح: پس از شکست یهودیان خیبر، برخی از زنان یهودی در مذاکرات صلح با مسلمانان شرکت کردند. آنها با عنوان نمایندگان جامعه یهودی، با پیامبر ﷺ و مسلمانان مذاکره کردند تا شرایط صلح را تعیین کنند. (ابن اثیر، ۱۴۰۰ هـ.ق، ۵۱/۲: طبری، ۱۹۷۷، ۵۶۹/۲)

۴-۲-۳. نقش غیرنظامیان در زمان محاصره

غیرنظامیان یهودی خیبر در زمان محاصره قلعه ها، نقش مهمی در حفظ روحیه جنگجویان و مقاومت در برابر مسلمانان داشتند. آنها با تشویق جنگجویان و تأمین نیازهای آنها، به حفظ مقاومت در برابر محاصره کمک می کردند. (ابن کثیر، ۱۳۹۸ هـ.ق، ۲۱۰/۴: طبری، ۱۹۷۷، ۵۶۸/۲)

۵. انگیزه های یهودیان خیبر برای مقاومت در برابر پیامبر اکرم ﷺ و مسلمانان

اول) انگیزه های اقتصادی: یهودیان خیبر به دلیل کنترل منابع اقتصادی مانند نخلستان ها و زمین های حاصلخیز، از موقعیت اقتصادی قدرتمندی برخوردار بودند. آنها از این منابع برای تقویت نیروهای نظامی خود استفاده می کردند. همچنین، خیبر به عنوان یک مرکز تجاری مهم، نقش کلیدی در تجارت بین مدینه و شام داشت. یهودیان نمی خواستند کنترل این منطقه را از دست دهند. (ابن اثیر، ۱۴۰۰ هـ.ق، ۴۵/۲: ابن کثیر، ۱۳۹۸ هـ.ق، ۲۰۵/۴)

دوم) انگیزه های مذهبی: یهودیان خیبر به دلیل اعتقادات مذهبی خود، جنگ را مقدس می دانستند. آنها براساس آموزه های تورات، خود را موظف به دفاع از سرزمین های خود می دیدند. (طبری، ۱۹۷۷، ۵۶۰/۲) همچنین، آنها به دلیل اختلافات مذهبی با مسلمانان،

به شدت در برابر گسترش اسلام مقاومت می کردند (ابن کثیر، ۱۳۹۸ هـ.ق، ۴/۲۰۶).

سوم) انگیزه های سیاسی: یهودیان خیبر به دلیل موقعیت ژئوپلیتیکی خیبر، نقش مهمی در سیاست منطقه داشتند. آنها با قبایل عرب مانند قبایل بنی غطفان و بنی اسد متحد شده بودند تا در برابر مسلمانان مقاومت کنند. (ابن اثیر، ۱۴۰۰ هـ.ق، ۲/۴۶؛ طبری، ۱۹۷۷، ۵۶۱/۲) همچنین، آنها نمی خواستند کنترل منطقه خیبر را از دست دهند؛ زیرا این منطقه یک پایگاه نظامی و اقتصادی مهم برای آنها بود.

۶. تحلیل روان شناختی و اجتماعی یهودیان خیبر

اول) روحیه جنگندگی: یهودیان خیبر به دلیل اعتقادات مذهبی و تاریخی خود، روحیه جنگندگی قوی ای داشتند. آنها خود را وارثان سرزمین های مقدس می دانستند و براساس آموزه های تورات، جنگ را مقدس می پنداشتند. این روحیه جنگندگی باعث می شد که آنها با تمام قوا در برابر مسلمانان مقاومت کنند. (ابن کثیر، ۱۳۹۸ هـ.ق، ۴/۲۰۷)

دوم) نقش رهبران یهودی: رهبران یهودی خیبر، نقش کلیدی در سازماندهی مقاومت و تاکتیک های جنگی داشتند. برخی از این رهبران عبارتند از:

- کنانه بن ابی الحقیق: او یکی از رهبران اصلی یهودیان خیبر بود که به دلیل ثروت و نفوذ خود، نقش مهمی در سازماندهی نیروهای یهودی داشت. (ابن اثیر، ۱۴۰۰ هـ.ق، ۲/۴۷) همچنین، او در جایگاه فرمانده نظامی، شیوه ها و راهبردهای دفاعی را طراحی می کرد (طبری، ۱۹۷۷، ۵۶۳/۲).

- سلام بن مشکم: وی یکی دیگر از رهبران یهودی خیبر بود که نقش مهمی در مقاومت در برابر مسلمانان داشت. او به عنوان یک راهبردشناس نظامی، از نقشه ها و راهبردهایی مانند جاسوسی و استفاده از متحدان عرب استفاده می کرد. (طبری، ۱۹۷۷، ۵۶۲/۲؛ ابن کثیر، ۱۳۹۸ هـ.ق، ۴/۲۰۸)

۷. مقایسه تطبیقی مواضع و عملکرد مسلمانان و یهودیان در جنگ خیبر

۷-۱. تبیین علل و انگیزه های درگیری

اول) تبیین علل و انگیزه های جنگ خیبر از نظر مسلمانان: برخورد با یهودیان خیبر، بیش





از آنکه یک نبرد توسعه طلبانه باشد، یک ضرورت راهبردی برای صیانت از حریم امن مدینه تلقی می‌شد. حضور قبایل یهودی در خیبر به مثابه یک کانون تمرکز قدرت، امکان اتحاد میان آنها با دشمنان خارجی (مانند قریش و برخی قبایل عرب) و ایجاد جبهه‌ای علیه اسلام را فراهم آورده بود. بنابراین، خنثی‌سازی تهدیدهای ناشی از پیمان شکنی‌های مکرر و جلوگیری از شکل‌گیری یک ائتلاف نظامی در شمال مدینه، از انگیزه‌های اصلی مسلمانان برای جنگ با یهودیان خیبر به شمار می‌رفت.

دوم) تبیین علل و انگیزه‌های جنگ خیبر از منظر یهودیان: انگیزه‌های یهودیان در این نبرد، بیشتر مبتنی بر حفظ حیات سیاسی و پایداری اقتصادی بود. پس از اخراج قبایل یهودی (مانند بنی قینقاع و بنی نضیر) از مدینه، خیبر به کانون استقرار و پناهگاه امن آنها تبدیل شده بود. حفظ حاکمیت بر این منطقه حاصلخیز که منبع اصلی درآمد و قدرت یهودیان بود، عامل اصلی مقاومت آنها در برابر مسلمانان به شمار می‌رفت.

۷-۲. تحلیل راهبردها و تاکتیک‌های نظامی

اول) راهبردهای نظامی مسلمانان: مسلمانان با بهره‌گیری از عناصر غافلگیری و جابه‌جایی‌های استراتژیک، بر قلعه‌های مستحکم خیبر فشار وارد کردند. برخلاف نبردهای کلاسیک، تمرکز مسلمانان بر تقسیم نیروها و استفاده از واحدهای پیشرو (مانند نقش محوری حضرت علی علیه السلام در فتح قلعه‌های اصلی) بود تا با کمترین تلفات ممکن، استحکامات دفاعی دشمن را در هم بشکنند. هدف بومی - سیاسی مسلمانان، از میان برداشتن مرکز ثقل نظامی یهودیان بدون آسیب رساندن گسترده به زیرساخت‌های غیرنظامی بود. ب) راهبردهای نظامی یهودیان: راهبرد اصلی یهودیان، «دفاع قلعه محور» بود. آنها با اتکا به استحکامات مهندسی شده و تجهیزات نظامی پیشرفته، قصد داشتند با طولانی کردن جنگ و ایجاد بن بست نظامی برای مسلمانان، ایشان را به مذاکره وادار کنند. با این حال، فقدان هماهنگی میان قبایل مختلف یهودی و عدم وجود یک فرماندهی واحد، کارآمدی این راهبرد دفاعی را کاهش داد.

۷-۳. بررسی رفتار یهودیان و مسلمانان پس از جنگ خیبر

اول) رویکرد مسلمانان با نیروهای مغلوب: مواجهه با شکست خوردگان در خیبر، الگوی

مشخصی از «صلح مشروط» را نشان می‌دهد. پیامبر اکرم ﷺ با پیشنهاد قراردادهای کشاورزی (مزارعه)، امکان تداوم فعالیت اقتصادی یهودیان را فراهم آورد؛ مشروط بر آنکه بخشی از محصولات به بیت‌المال تعلق گیرد. این رویکرد، نشان‌دهنده گذار از نبرد محض به سمت ایجاد ثبات اجتماعی و سیاسی در منطقه بود.

دوم) رویکرد یهودیان پیش از شکست: رفتار یهودیان پس از شکست، با تضادهای رفتاری همراه بود. درحالی‌که برخی پیشنهاد پیامبر ﷺ را پذیرفتند، برخی دیگر همچنان به اقدامات خصمانه (مانند حادثه مسمومیت) ادامه دادند. این پراکندگی رفتاری نشان‌دهنده عدم انسجام فکری و سیاسی میان گروه‌های یهودی بود.

۷-۴. پیامدها و نتایج راهبردی جنگ خیبر

اول) پیامدها و نتایج برای مسلمانان: پیروزی در جنگ خیبر، منجر به تحول در موازنه قدرت در شبه جزیره عربستان شد. این پیروزی علاوه بر تثبیت امنیت مدینه و تأمین منابع اقتصادی، اعتبار نظامی مسلمانان را در سطح منطقه ارتقا داد و مسیر را برای فتوحات بعدی هموار کرد. دوم) پیامدها و نتایج برای یهودیان: جنگ خیبر نقطه عطفی در کاهش نفوذ سیاسی و نظامی یهودیان در حجاز بود. اگرچه حضور فیزیکی آنها در برخی مناطق باقی ماند، اما قدرت برتر آنها از دست رفت و از یک بازیگر سیاسی-نظامی به یک گروه تحت حاکمیت یا تحت قرارداد تبدیل شدند.

۷-۵. تقابل‌های کلیدی در ماهیت جنگ

تفاوت بنیادین میان دو طرف در ماهیت انگیزه و رفتار نهفته است؛ مسلمانان با هدف «تثبیت حاکمیت و امنیت جامعه» وارد نبرد خیبر شدند و پس از پیروزی، به دنبال «ادغام یا قراردادهای پایدار» بودند. در مقابل، یهودیان در پی «حفظ وضع موجود و منافع اقتصادی» بودند و از تقابل‌های پیش‌دستانه برای تحریک مسلمانان خودداری نکردند.

۸. نتیجه‌گیری

غزوه خیبر در سال هفتم هجری-قمری، آخرین رویارویی بین مسلمانان و یهودیان در زمان پیامبر اسلام ﷺ بود. یهودیان خیبر با استفاده از موقعیت جغرافیایی، استحکامات





نظامی و سلاح‌های پیشرفته جنگی، تلاش کردند تا در برابر مسلمانان مقاومت کنند. زنان و غیرنظامیان یهودی ساکن در خیبر نیز نقش مهمی در نبرد با مسلمانان ایفا کردند؛ آنها نه تنها در دفاع از قلعه‌ها مشارکت داشتند، بلکه در تأمین آذوقه و پشتیبانی از جنگ جویان نقش حیاتی ایفا نمودند. همچنین، برخی از زنان در نقش جاسوس یا پیام‌رسان به طور مستقیم در نبرد شرکت کردند. در جنگ خیبر، خیبریان از هیچ اقدامی علیه پیامبر اسلام ﷺ و مسلمانان دریغ نمودند، اما پیامبر اکرم ﷺ و مسلمانان با استفاده از نقشه‌ها و راهبردهای هوشمندانه و مدیریت نظامی قوی و نیز استفاده از نیروهای متخصص مثل حضرت علی که در فتح قلعه‌های خیبر، به ویژه قلعه‌های قموص و ناعم نقش کلیدی داشتند، توانستند بر مقاومت یهودیان غلبه کنند.

شکست یهودیان خیبر در تاریخ اسلام از اهمیت زیادی برخوردار است؛ زیرا این رویداد نشان دهنده قدرت روزافزون مسلمانان در مدینه بود. قلعه‌های خیبر که در اختیار یهودیان بود، مرکزی برای تحریک قبایل علیه مسلمانان شناخته می‌شد. پیروزی مسلمانان در این نبرد نه تنها امنیت منطقه را تأمین کرد، بلکه موقعیت سیاسی و نظامی پیامبر اکرم ﷺ و مسلمانان را تقویت نمود. رفتار مسلمانان در جنگ خیبر، نشان دهنده عدالت و رحمت اسلامی بود؛ زیرا پس از فتح خیبر، پیامبر اکرم ﷺ با یهودیان به طور مشروط صلح کرد و به آنان اجازه داد در ازای پرداخت بخشی از محصولات کشاورزی خود، در زمین‌هایشان باقی بمانند. این رویکرد، تعامل اسلام با اهل کتاب را در صورت عدم توطئه و خیانت نشان می‌دهد. این نبرد که نشان دهنده اهمیت راهبردی و مدیریت نظامی در جنگ‌هاست، می‌تواند الگویی مناسب برای مسلمانان در مقابله با دشمنان باشد.

۹. پیشنهادات پژوهشی

با توجه به اهمیت راهبرد و مدیریت نظامی در غزوہ خیبر، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های بیشتری با رویکردی نوآورانه و تحلیلی، ابعاد مدیریتی و استراتژیک این نبرد، از جمله اولویت‌بندی اهداف، انتخاب و سازمان‌دهی نیروها، زمان‌بندی اقدامات و تاکتیک‌ها، شیوه بهره‌گیری از استحکامات و تجهیزات نظامی و نیز اشتباهات تاکتیکی یهودیان بررسی

شود. همچنین، با توجه به اهمیت راهبردهای نظامی و مدیریتی در نبرد خیبر، پیشنهاد می‌شود مطالعات تطبیقی میان این نبرد و نبرد طوفان الاقصی، از ابعاد مختلف، به‌ویژه در زمینه راهبردهای نظامی، مدیریت نبرد، بهره‌گیری از ظرفیت‌های دفاعی و نقاط قوت و ضعف طرفین، انجام شود.

منابع

- * قرآن کریم (۱۳۸۶). مترجم: مکارم شیرازی، ناصر. قم: انتشارات دارالقرآن الکریم.
۱. ابن اثیر (۱۴۰۰ هـ.ق). *الکامل فی التاریخ*. بیروت: دارالکتب العربی.
۲. ابن حجر عسقلانی (۱۴۰۷ هـ.ق). *فتح الباری بشرح صحیح بخاری*. قاهره: دارالریان للتراث.
۳. ابن حزم، علی بن احمد (۱۳۷۵ هـ.ق). *جوامع السیره*. محقق: احسان عباس، و ناصرالدین اسد. مصر: دارالمعارف.
۴. ابن حنبل، احمد بن محمد (۱۳۹۸ هـ.ق). *مسند الإمام احمد بن حنبل*. بیروت: دارصادر.
۵. ابن سعد، محمد بن سعد (۱۳۸۸ هـ.ق). *طبقات الکبری*. قاهره: دارالفکر العربی.
۶. ابن سید الناس، محمد بن محمد (۱۴۱۴ هـ.ق). *عیون الأثر*. بیروت: دارالمعرفه.
۷. ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۱۹۵۶). *مناقب آل ابی طالب*. نجف: المطبعة الحیدریه.
۸. ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله (۱۴۰۳ هـ.ق). *الدرر فی اختصار المغازی والسیر*. محقق: شوقی ضیف. مصر: دارالمعارف.
۹. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (عمادالدین) (۱۳۹۸ هـ.ق). *البدایه و النهایه*. بیروت: دارالفکر.
۱۰. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (عمادالدین) (۱۴۰۳ هـ.ق). *سیره النبویه*. محقق: مصطفی عبدالواحد. بیروت: دارالمعرفه.
۱۱. ابن هشام، عبدالملک بن هشام (بی تا). *السیره النبویه*. محقق: مصطفی السقا، و دیگران. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۱۲. آیتی، محمد ابراهیم، و گرجی، ابوالقاسم (۱۳۶۶ هـ.ق). *تاریخ پیامبر اسلام*. تهران: بی نا.
۱۳. باشمیل، محمد احمد (۱۳۹۹ هـ.ق). *غزوه خیبر*. بیروت: بی نا.
۱۴. بلادی، عاتق بن غیث (۱۹۸۲). *معجم المعالم الجغرافیه فی السیره النبویه*. مکه: بی نا.
۱۵. بلاذری، احمد بن حبیبی (۱۹۵۹). *انساب الاشراف*. محقق: محمد حمیدالله. مصر: دارالمعارف.
۱۶. بیهقی، احمد بن حسین (ابوبکر) (۱۴۰۵ هـ.ق). *دلائل النبوه و معرفه احوال صاحب الشریعه*. محقق: عبدالمعطی قلجی. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۱۷. جواد علی (۱۹۸۰). *المفصل فی تاریخ العرب قبل الإسلام*. بیروت: دار العلم للملایین.
۱۸. الحریری، ابراهیم بن اسحاق (۱۳۸۹ هـ.ق). *کتاب المناسک و اماکن طرق الحج و معالم الجزیره*. محقق: حمد الجاسر. ریاض: منشورات دارالیمامه.
۱۹. حلبی، علی بن برهان الدین (۱۴۰۰ هـ.ق). *إنسان العیون فی سیره المؤمنین*. بیروت: دارالمعرفه.
۲۰. حمیری محمد بن عبدالمنعم (۱۹۷۵). *الروض المعطار فی خبر الاقطار*. بیروت: بی نا.
۲۱. خطاب، محمود شیت (۱۹۶۰). *الرسول القائد*. بغداد: مکتبه النهضه.
۲۲. الدقدوقی (۱۴۰۶ هـ.ق). *الجندیه فی عهد الدوله الامویه*. بیروت: بی نا.
۲۳. دیار بکری، حسین بن محمد (بی تا). *تاریخ الخمیس فی احوال انفس نفیس*. بیروت: مؤسسه شعبان.
۲۴. شیبانی، محمد بن حسن (۱۹۷۱). *شرح کتاب السیر الکبیر*. قاهره: مطبعه شرکه الاعلانات الشرقیه.
۲۵. صالحی، محمد بن یوسف (۱۳۹۵ هـ.ق). *سبل الهدی و الرشاد فی سیره خیر العباد*. تحقیق: عادل احمد عبدال موجود، و علی محمد معوض. بیروت: دارالکتب العلمیه. قاهره: بی نا.
۲۶. طبری، محمد بن جریر (۱۹۷۷). *تاریخ الرسل و الملوک*. مصر: دارالمعارف.
۲۷. ظاظا، حسن، و عاشور، سعید عبدالفتاح (۱۹۷۶). *شریعت الحرب عند الیهود*. قاهره: بی نا.
۲۸. عبدالرؤف، عون (۱۹۶۱). *الفن الحربی فی صدر الاسلام*. مصر: دارالمعارف.
۲۹. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب (مجدالدین) (۱۳۸۹ هـ.ق). *المغانم المطابه فی معالم طابه*. محقق: حمد الجاسر. ریاض: منشورات دارالیمامه.
۳۰. مبارکفوری، صفی الرحمن (۲۰۰۴). *الرحیق المختوم*. بیروت: دارالمعرفه.



٣١. محمود سلام، شافعي (بي تا). حصون خيبر في الجاهلية وعصر الرسول. اسكندريه: منشآت المعارف.
٣٢. المرصفي، سعد (٢٥٠٢). الرسول واليهود وجهاً لوجه. كويت: مكتبة ابن كثير.
٣٣. مفيد، محمد بن محمد (بي تا). الإرشاد. مترجم: محلاتي، رسول. تهران: الاسلاميه.
٣٤. مقريزي، احمد بن علي (تقي الدين) (١٤٠١ هـ ق). امتاع الاسماء بما للرسول من الابناء والاموال والحفده والمتاع. محقق: محمد النميسي. قاهره: مطبعة لجنة التأليف والترجمة والنشر.
٣٥. نويري، احمد بن عبد الوهاب (شهاب الدين) (١٤٢٣ هـ ق). نهاية الارب في فنون الادب. قاهره: مؤسسه مصريه.
٣٦. وات، ويليام مونتهغمري (١٩٨٣). محمد در مدينه. مترجم: شعبان بركات. بيروت: المكتبة العصريه.
٣٧. واقدى، محمد بن عمر (١٩٦٥). مغازي. تحقيق: مارسدن جونز. بيروت: عالم الكتب.
٣٨. ولفنسون (ابو ذؤيب)، اسرائيل (١٣٤٥ هـ ق). تاريخ اليهود في بلاد العرب. قاهره: بي تا.
٣٩. ياقوت حموي، ابن عبدالله (شهاب الدين) (١٣٩٧ هـ ق). معجم البلدان. بيروت: دارصادر.
٤٠. يعقوبي، احمد بن اسحاق (١٣٧٩ هـ ق). تاريخ يعقوبي. بيروت: بي تا.